

کوردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۰۸ - چهارشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۹۶، ۶ سپتامبر ۲۰۱۷

کودکان، قربانیان اصلی رژیم فاشیستی ایران

۷

دو کولبر گرد با اصابت گلوله در بانه جان خود را از دست دادند

۳

پیشمرگه‌های "شار" در میان مردم سقز حاضر شدند

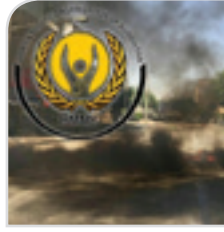
۲

www.kurdistanmedia.com



زن و رویاهایی که در دنیای مردسالارانه فنا می‌شوند

۷



خروش انقلابی در بانه

۶



اصلاح طلبی ایرانی و عشق یک طرفه

۴



پیام تبریک دبیر کل حزب دمکرات به مناسبت فرارسیدن عید قربان

۲

سفن

شهر شوری در سر دارد

کریم پرویزی

روز ۱۴ شهریور ۱۳۹۶، روز ابراز تنفر و انزجار مردم مبارز و حق طلب بانه علیه ظلم و ستم سیستماتیک رژیم اسلامی تهران علیه ملت کورد بود. یک روز پیش از آن، نیروهای سرکوبگر رژیم ایران اسلامی کولبرانی را که در پی یافتن لقمه نانی برای فرزندانشان بودند، هدف شلیک مستقیم خود قرار دادند که طی آن، دو کولبر کشته و پاسداران تروریست خون آنان را به جای نان بر سفره فرزندان چشم به راهشان گذاشتند.

این اولین و آخرین ظلم و ستم نبوده و نخواهد بود، اما این ستم و جور آنچنان عیان بود که مردم را به خروش واداشت و در اقدامی مدنی و مسالمت آمیز دست به اعتصاب عمومی زدند و در مقابل فرمانداری شهر بانه تجمع کردند و خواستار برقراری عدالت شدند.

اما رژیم اسلامی هرگونه حرکت عمومی را علیه امنیت ناپایدار خود می‌بیند و به همین خاطر بار دیگر با گلوله با مردم سخن گفت. تا این لحظه خبرها حاکی از کشته و زخمی شدن بیش از بیست نفر است و تعداد بازداشت شدگان نیز مشخص نیست. رویداد اخیر شهر بانه را می‌توان، بیانگر و زبان حال روح حاکم بر شهرهای کوردستان دانست، بدین معنا که وضعیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فضای کلی کوردستان در چنین سطحی قرار دارد. به طور کلی می‌توان گفت که، هر لحظه امکان انفجار شهر در مقابل اعمال ضد بشری رژیم وجود دارد و شهر بر آن است تا اراده خود را اثبات کند. شهر متوقف نخواهد شد و به حرکت خود ادامه خواهد داد و هر لحظه امکان آن وجود دارد که با جرقه‌ای منفجر شود، واقعیتی که ریشه در تاریخی مآلامل از مبارزات فرزندان این سرزمین و سال‌ها ظلم و ستم دارد و اکنون دیگر شهر در خیزش "راسان" به سر می‌برد. دو نکته در اینجا حائز اهمیت

ادامه در صفحه ۲

شهر اراده خود را اثبات کرد



قربانیان اعلام کردند.

اعتراض و اعتصاب مردم شهر بانه موجب آن شد که نیروهای امنیتی و سپاه تروریستی پاسداران در اکثر شهرهای کوردستان و به ویژه در شهر بانه در حالت آماده باش کامل قرار گیرند. بنا بر این گزارشات، رژیم در شهرهای نزدیک به بانه به ویژه سقز و سردشت وضعیت آماده باش کامل اعلام کرده و در شهر سنندج و سقز نیروهای هوایی و زمینی را در حالت آماده باش قرار داده است. همچنین شمار زیادی از نیروهای سکوبگر رژیم با تجهیزات جنگی به سوی شهر بانه اعزام شده‌اند.

قابل ذکر است که نیروهای تروریستی سپاه پاسداران اقدام به بازداشت تعدادی از فعالین حاضر در تجمعات اخیر کرده و آن‌ها را به سازمان‌های امنیتی تحویل داده‌اند.

زحمت کش و کاسبکار را هدف قرار داده است.

در ادامه این بیانیه آمده است: علاوه بر محکوم کردن اعمال ضد مردمی رژیم در کوردستان علیه کاسبکاران کورد، اقدامات و اعمال دلبرانه امروز و دیروز مردم مبارز شهر بانه و توابع آنرا ارج می‌نهیم و خواهان آن هستیم که تمام اقشار و طبقات جامعه کوردستان متحد و یکدست از چنین حرکتی حمایت کرده و در یک سنگر و با اتحادی مضاعف علیه سیاست‌های و اعمال سرکوبگرانه رژیم بایستند.

در پایان اعلامیه مذکور آمده است: در پایان حمایت خود را از این کنش دلبرانه و انقلابی مردم شهر بانه و توابع آن اعلام می‌کنیم، حرکتی که به نماد گره زدن قیام "شاخ و شار" به حساب می‌آید.

همچنین فعالین مدنی و فرهنگی شهر میوان در همین ارتباط با انتشار بیانیه‌ای حمایت خود را از اعتصاب کنندگان و خانواده

کوردستان، اتحادیه عالمان دینی کوردستان ایران و اتحادیه صنفی معلمان کوردستان ایران با انتشار بیانیه‌هایی حمایت خود را از مردم معترض شهر بانه اعلام کرده و با آنان اعلام همبستگی کردند.

در این ارتباط دفتر سیاسی حزب دمکرات کوردستان ایران طی انتشار بیانیه‌ای در رابطه با وقایع اخیر شهر بانه علاوه بر ارج نهادن به شجاعت مردم این شهر و حومه آن، از مردم کوردستان خواست که موضع مشترکی با این حرکت داشته باشند.

در بخشی از این بیانیه آمده است: سرکوب و کشتار سیستماتیک و برنامه‌ریزی شده کاسبکاران شهر و روستاهای مرزی کوردستان بدست جمهوری اسلامی ایران طی چند دهه اخیر بخش لاینفکی از سیاست این رژیم بوده و هر روز بر وسعت آن افزوده می‌شود، سیاستی که جان مردم

روز سه‌شنبه ۱۴ شهریور، مردم بانه با دست زدن به یک اعتصاب عمومی و تعطیل کردن دوکان و بازار در کل سطح شهر و تجمع در مقابل فرمانداری، از خواست‌های فعالین فرهنگی - مدنی و خانواده قربانیان حمایت کردند.

گارد ویژه در همان دقائق آغازین تجمع آرام مردم در مقابل فرمانداری، سعی کرد با توسل به زور و پرتاب گاز اشک‌آور، معترضین را متفرق سازد.

کشته شدن دو کولبر کورد، اعتراضات گسترده‌ای را در میان اقشار و طبقات مختلف کوردستان ایجاد کرد و حمایت گسترده خود را از خانواده‌های قربانیان و مردم بانه اعلام کردند.

همچنین اکثر احزاب سیاسی کورد، انجمن و سندیکاهای کوردستان، از آن جمله حزب دمکرات کوردستان ایران، سازمان دفاع از حقوق بشر

صبح روز دوشنبه، ۱۳ شهریور، دو شهروند کورد اهل بانه به نام‌های "خدر بهرامی" ۴۵ ساله و "حیدر فرجی" ۲۱ ساله با شلیک مستقیم نیروهای نظامی رژیم اسلامی ایران جان باختند. بعد از این رویداد، خانواده جان باختگان پیش از خاکسپاری عزیزان خود به نشانه اعتراض به کشته شدن آنان در مقابل فرمانداری شهر بانه تجمع کرده و خواستار مجازات عاملین این اقدام ضد بشری شدند و فرماندار بانه را نیز عامل اصلی شلیک به کولبرها دانستند.

"محمد فلاحی" فرماندار شهر بانه با دیدن تجمع حاضر در مقابل فرمانداری و سرباز زدن از مجازات عاملان قتل این دو کولبر، ساختمان فرمانداری را ترک کرده و فرار را بر قرار ترجیح داد و فرمانداری را تعطیل کرد. که این عمل موجب شد فعالین مدنی و فرهنگی بانه طی بیانیه‌ای خواهان اعتصاب عمومی در شهر شوند.

پیام تبریک دبیر کل حزب دمکرات به مناسبت فرا رسیدن عید قربان



تمام برادران و خواهران کورد مسلمانان در سراسر کوردستان به ویژه کوردستان ایران تبریک می‌گویم.

همچنین چنین روز گرمی را به تمام خانواده‌های شهیدان، آن شهیدانی که در راه آزادی و حقوق حقه‌ی ملت خود در تمام بخش‌های کوردستان جان خود را فدا کرده‌اند و نیز زندانیان سیاسی که در زندان‌های

حزب دمکرات کوردستان ایران
دبیرکل
مصطفی هجری
۹ شهریور ۱۳۹۶

مصطفی هجری دبیرکل حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت فرا رسیدن عید قربان، طی پیامی خطاب به تمام مسلمانان به ویژه مسلمانان کوردستان ایران این روز را به آنان تبریک گفت.

متن پیام:

پیام تبریک مصطفی هجری به مناسبت فرا رسیدن عید قربان
فرا رسیدن عید قربان را به

پیشمرگه‌های "شار" در میان مردم سقز حاضر شدند

مانع آن شدند پرچم کوردستان به دست نیروهای رژیم بیافتد. این اقدام پیشمرگه‌های شار و حضور در میان مردم بازتاب گسترده‌ای داشته و استقبال گرم مردم از فعالیت مذکور را در پی داشته است.

بنابر گزارش‌های رسیده، نیروهای رژیم به ویژه اداره اطلاعات، بعد از این گردهمایی جاده سقز-بوکان و محل تجمع را تحت کنترل قرار داده‌اند.

همچنین بنابر گزارش رسید هر چه از این گردهمایی بیشتر می‌گذشت بر تعداد تجمع‌کنندگان افزوده می‌شود و ده‌ها نفر تا تمام شدن گردهمایی محل را ترک نکردند.

پیشمرگه‌ها بعد از آگاهی از نزدیک شدن نیروهای تروریستی رژیم از طریق اعضای تشکیلات مخفی حزب، برای پرهیز از درگیری و حفظ جان مردم، محل را ترک کردند و مردم نیز

و نزدیک به جاده اصلی، در میان مردم سقز و گردشگران منطقه حاضر شدند و به ایراد سخنانی پرداختند و از مردم خواستند تا در تمام ابعاد از راسان پشتیبانی کرده و برای پیروزی این قیام و مبارزه به صفوف حزب دمکرات بپیوندند.

قابل ذکر است که پیشمرگه‌های شار با برافراشتن پرچم کوردستان این گردهمایی را آغاز کردند.

پیشمرگه‌های شار، در تجمعات مردم سقز و گردشگران حاضر در منطقه حضور یافتند و با تشریح شرایط موجود در کوردستان از آنان خواستند تا از راسان پشتیبانی کنند.

بعد از ظهر روز جمعه سه شهریور ۱۳۹۶ ساعت ۴:۳۰، پیشمرگه‌های شار وابسته به حزب دمکرات کوردستان ایران در نزدیک روستای "کانی نیاز" واقع در پنج کیلومتری شهر سقز

داعش، حزب‌الله و رژیم ایران خط ترور را از نو طرح‌ریزی می‌کنند



مورد انتقال پیکارجویان داعش اعلام داشت: "این ما را آشفته می‌سازد. به هیچ وجه نیز قابل قبول نیست" وی همچنین بیان کرده: "این عمل بدی در مقابل ملت عراق است".

رژیم سوریه و افراد مسلح حزب‌الله که با هم توافق دارند، بر اساس این توافق حزب‌الله و داعش به انتقال نیروهای داعش اقدام کرده است.

حسن نصرالله، رهبر حزب‌الله در مورد این توافق گفته است: "جنگ علیه داعش همه اهداف را توجیه کرد" و همچنین جزئیات این توافق را آشکار کرده و گفته است: "جنگ علیه داعش را متوقف کردیم، چرا که توافق کردیم، ما ستم نمی‌کنیم، از پشت به کسی خنجر نزده و کسی را منحرف نخواهیم کرد".

به گفته حسن نصرالله شمار کسانی که الجرود قلمون را ترک کرده‌اند ۶۷۰ نفر بوده که ۳۳۰ نفر آنان مدنی و ۳۰۸ نفر آنان افراد داعش و در میان آنان نیز ۲۶ زخمی وجود داشته است.

در این زمینه "احمد اسدی" سخنگوی حشد شعبی اعلام داشته است: "شمار افراد مسلح داعش که به شهر "الجرود" واقع در مرز میان سوریه و لبنان با اتوبوس‌هایی بسوی استان "دیرالزور" در شرق سوریه؛ به منطقه تحت کنترل داعش انتقال یافته‌اند.

همچنین "حیدر عبادی" نخست وزیر و فرمانده کل نیروهای مسلح عراق در

گروه تروریستی داعش، پیکارجویان مسلح خود را از مرز میان لبنان و سوریه به مرزهای میان عراق و سوریه انتقال می‌دهد.

بر اساس گزارشات منتشره، بعد از توافق گروه تروریستی داعش و حزب‌الله لبنان، داعش پیکارجویان خود را به مرزهای مابین عراق و سوریه انتقال می‌دهد که این موجب نگرانی حکومت اقلیم کردستان و عراق شده است.

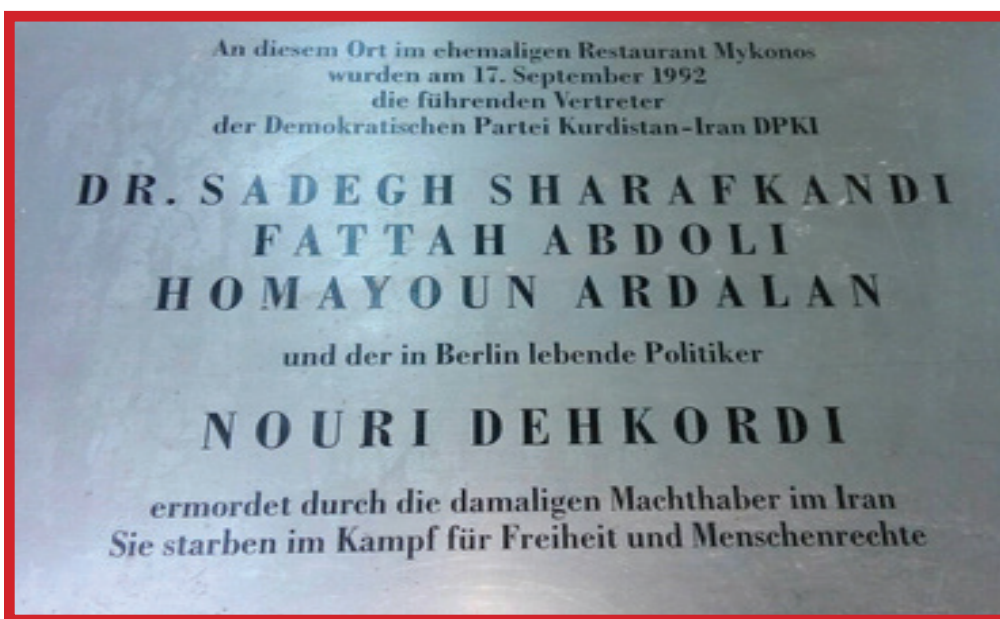
در این زمینه ریاست حکومت اقلیم کردستان، علاوه بر اینکه نگرانی خود را از نقل و انتقال نیروهای تروریستی داعش از لبنان به مرز عراق ابراز داشت، اعلام کرد: "جای تردید و شبهه است و ما بسیار دقیق و جدی این مساله را پیگیری می‌کنیم، چرا که این عمل را تکرار سناریوی سال ۲۰۱۴ می‌دانیم".

همچنین "بریت مک‌گورک" نماینده ویژه ایالات متحده آمریکا در ائتلاف دولتی جنگ علیه داعش، نسبت به انتقال افراد داعش به مرزهای عراق هشدار داد.

طبق این توافق صدها افراد مسلح گروه تروریستی داعش همراه خانواده‌های آنان روز دوشنبه از منطقه "الجرود" واقع در مرز میان سوریه و لبنان با اتوبوس‌هایی بسوی استان "دیرالزور" در شرق سوریه؛ به منطقه تحت کنترل داعش انتقال یافته‌اند.

همچنین "حیدر عبادی" نخست وزیر و فرمانده کل نیروهای مسلح عراق در

یاد شهیدان میکنونوس و جان‌باختگان دهه ۶۰ در آلمان گرامی داشته می‌شود



و ۲۴۷ جلسه طول کشید و حدود ۹ میلیون فرانک هزینه در برداشت. در جلسات این دادگاه بیش از ۱۷۰ نفر در دادگاه حاضر شده و در مورد حادته ترور شهادت دادند. شهادت برخی از این افراد بر ضد حاکمیت اسلامی و برخی نیز به نفع آنها بود.

بسیست و یکم فروردین‌ماه سال ۱۳۷۶، حکم دادگاه میکنونوس صادر شد و طی آن کاظم دارابی از اتباع ایرانی و عباس راحل تبعه لبنانی به حبس ابد و یوسف امین و محمداتریس هر دو از اتباع لبنان به ترتیب به ۱۱ و ۵ سال زندان محکوم شدند.

همچنین براساس این حکم، علی خامنه‌ای رهبر رژیم، رئیس جمهور وقت علی اکبر هاشمی رفسنجانی، وزیر امور خارجه وقت علی اکبر ولایتی و وزیر اطلاعات و امنیت

روز ۲۶ شهریور ۱۳۷۱ (۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲) در جریان حمله‌ی تروریست‌های رژیم جمهوری اسلامی ایران به رستوران میکنونوس در برلین آلمان دکتر صادق شرف‌کنندی، دبیرکل سابق حزب دمکرات همراه با فتاح عبدلی، عضو کمیته‌ی مرکزی حزب و همایون اردلان، نماینده حزب در آلمان به شهادت رسیدند.

یک سال بعد از حادثه رستوران میکنونوس یک ایرانی به نام کاظم دارابی کازرونی که مشکوک به عضویت در سپاه پاسداران و سازمان امنیت ایران بود و ۴ لبنانی به نام‌های یوسف امین، محمد اتریس، عطاالله عیاد و عباس راحل توسط پلیس آلمان دستگیر شدند و محاکمه متهمان در ششم آبان‌ماه سال ۱۳۷۲ در آلمان آغاز شد.

مراسمی به مناسبت بزرگداشت یاد شهیدان میکنونوس و جان‌باختگان دهه ۶۰ در برلین برگزار خواهد شد.

کانون پناهندگان سیاسی ایران در برلین و کمیته دفاع از زندانیان سیاسی در برلین مراسمی به مناسبت گرامی‌داشت یاد شهیدان میکنونوس و جان‌باختگان دهه ۶۰ در برلین برگزار می‌کنند.

در این مراسم برونو بوست، دادستان بازنشسته فدرال در رابطه با جنبه‌های حقوقی دادرسی میکنونوس به سخنرانی می‌پردازد.

همچنین شورا مکاریمی از بازماندگان جان‌باختگان دهه ۶۰ سخنرانی درباره خشونت‌های بنیادی و سیاست‌های انکار در ایران امروز ارائه خواهد داد.

این مراسم روز شنبه شانزدهم سپتامبر ساعت ۱۹ در کارگاه فرهنگ‌ها برگزار می‌شود.

ادامه سخن

می‌باشد:

- شهر برمی‌خیزد و برای این قیام و رسیدن به پیروزی، نیاز به سازمان‌دهنده و راهبری برای دست‌یابی به آزادی دارد و به همین خاطر خواهان آنست که سازمان‌های سیاسی و مبارز، راهنمای آن‌ها باشند. در این مرحله گذار از سکون به قیام، اگر سازمان‌ها در سطح انتظار شهر عمل نکنند، شهر چشم به راه آنان نخواهد ماند و نتیجتاً یا خود راه و مسیر مناسب را می‌یابد و رهبران خود را خلق می‌کند یا قیام به انحراف کشیده می‌شود و این هشدار است به تمام مبارزین.

- شهر برای تحقق خواست‌هایش از هر گونه روش ممکن مسالمت‌آمیزی بهره جسته و تنها خواست کولبری او و تهیه لقمه نانی را با گلوله جواب داده‌اند. رژیم جمهوری اسلامی هرگونه خواست و عمل کورد و کوردستان را سیاسی ارزیابی می‌کند و امنیت ناپایدار خود را بر حسب این اعمال و خواست می‌سنجد. چرا که یک رژیم باثبات، تمام ریزه‌کاری‌های حیات خود را سیاسی نمی‌کند اما آن هنگام که حتا تهیه معاش از طریق کولبری نیز سیاسی می‌شود و سپاه پاسداران از ترس فرزندان کوردستان به آن‌ها شلیک می‌کند، اوج بی‌ثباتی و ناپایداری این رژیم را نشان می‌دهد.

مردم دیگر تحمل آنرا ندارند که هرگونه تجمع، حرکت و یا کوچکترین خواست‌شان، با گلوله‌های نیروهای رژیم روبرو شود و روزی شهر تصمیم خواهد گرفت که تفنگ به دست بگیرد و در دل شهر به روی کاخ لرزان چمارانی‌ها آتش بگشاید.

شهروندان بانهای در اعتراض به مرگ دو کولبر کرد در پی شلیک مستقیم نیروهای نظامی حکومت ایران اعتصاب و در مقابل فرمانداری تجمع کرده‌اند.



امروز سه‌شنبه چهاردهم شهریورماه، شهروندان بانهای در اعتراض به مرگ دو کولبر کرد بر اثر شلیک مستقیم نظامیان حکومتی با تعطیلی بازار در مقابل فرمانداری تجمع کرده‌اند. این تجمع اعتراضی با دخالت نیروهای گارد ویژه به خشونت کشیده شده و نیروهای گارد ویژه با استفاده از گاز اشک‌آور درحال پراکنده کردن معترضان می‌باشند. معترضان در این تجمع اعتراضی با دادن شعار و پرتاب سنگ در برابر تلاش نیروهای گارد ویژه برای متفرق کردن آنان مقاومت کردند. این تجمع اعتراضی تاکنون ادامه دارد و شنیده‌ها حاکی از آن است که فرمانداری بانه امروز تعطیل می‌باشد. روز دوشنبه سیزدهم شهریورماه، دو کولبر کرد در مرز بانه به نام‌های "حیدر فرجی" و "قادر بهرامی" ۲۱ ساله اهل روستای "ششه" و ۴۵ ساله اهل روستای "وزمله" بر اثر شلیک مستقیم نظامیان حکومتی جان خود را از دست دادند. خانواده‌های این دو کولبر جان‌باخته فراماندار بانه را مقصر روی دادن چنین حادثه‌ای می‌دانند و می‌گویند تیراندازی به کولبران به دستور ایشان بوده است. خانواده‌های این دو کولبر جان‌باخته خواستار مجازات عاملان این حادثه می‌باشند.

دو کولبر کرد با اصابت گلوله در بانه جان خود را از دست دادند

در ادامه شلیک مستقیم کولبران در کردستان، دو کولبر دیگر کرد در بانه در پی شلیک مستقیم نظامیان حکومتی جان باختند. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی کردپا، سحرگاه امروز دوشنبه سیزدهم شهریورماه، دو کولبر کرد در مرز بانه هدف تیراندازی نیروهای نظامی حکومت ایران قرار گرفتند. خبرنگار کردپا در بانه هیت این دو کولبر کرد را "حیدر فرجی" ۲۱ ساله اهل روستای "ششه" و "مامه قادر بهرامی" ۴۵ ساله اهل روستای "وزمله" اعلام کرد. قادر بهرامی متاهل و دارای چهار فرزند می‌باشد. این دو کولبر کرد در حوالی روستای "هنگ زال" در مرز بانه مورد اصابت گلوله نیروهای نظامی قرار گرفته‌اند. یک منبع آگاه درباره این حادثه به خبرنگار کردپا گفت: "خانواده‌های این دو کولبر جان‌باخته فرماندار بانه را مقصر روی دادن چنین حادثه‌ای می‌دانند و می‌گویند تیراندازی به کولبران به دستور ایشان بوده است." این منبع افزود: "جان باختن این دو کولبر کرد ناراضی‌های شدید شهروندان بانهای در پی داشته و خانواده‌های این دو کولبر در مقابل فرمانداری تجمع کرده‌اند." خانواده‌های این دو کولبر جان‌باخته خواستار مجازات عاملان این حادثه می‌باشند. کشتار گسترده کولبران در حالی است که بیشتر معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار کردستان اعلام کرده بود: "به جرات خواهم گفت که از زمان روی کار آمدن دولت تدبیر و امید تاکنون حتی یک کولبر در مرزهای کردستان کشته و یا زخمی نشده است." تاکنون هیچ شخصیت حقوقی و حقیقی در ارتباط با شلیک مستقیم به کولبران و کاسبکاران مرزی کردستان مورد پیگرد قانونی قرار نگرفته و پرونده‌ی قضایی افرادی نیز که زخمی شده و یا جان خود را از دست می‌دهند به بهانه "حفظ و صیانت از مرزها" به نتیجه‌ی مشخصی نمی‌رسند.

ابراز نگرانی عاصمه جهانگیر نسبت به وضعیت زندانیان اعتصابی در زندان رجایی شهر کرج



گزارشگر ویژه سازمان ملل نسبت به وضعیت زندانیان در اعتصاب غذا در زندان رجایی شهر کرج ابراز نگرانی کرد. عاصمه جهانگیر، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد برای وضعیت حقوق بشر در ایران، در بیانیه‌ای نگرانی عمیق خود را نسبت به وضعیت زندانیانی که در اعتراض به انتقال به بخش فوق امنیتی زندان رجایی شهر کرج و نحوه برخورد زندانبانان با آنان اعتصاب غذا کرده‌اند، ابراز کرد. گزارشگر ویژه سازمان ملل در این بیانیه می‌گوید: "گزارش‌ها درباره وضعیت رو به وخامت زندانیان اعتصابی و تداوم شکنجه و بدرفتاری با آنان از زمان انتقال به بند جدید، من را به شدت نگران کرده است." عاصمه جهانگیر اظهار داشت: "محروم کردن زندانیان از تماس با خانواده و کلایشان و دسترسی به مراقبت‌های پزشکی لازم بر خلاف قوانین بین‌المللی است." وی می‌افزاید: "من از دولت ایران می‌خواهم از طریق گفتگوی توأم با حسن نیت درباره شکایت‌ها و نقض حقوق بشر زندانیان راه‌حلی برای وضعیت به شدت نگران کننده بیابد و از احترام به شأن و کرامت انسانی زندانیان اطمینان حاصل کند." این بیانیه گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد برای وضعیت حقوق بشر در ایران، از سوی دینیس پوراس، گزارشگر ویژه برای حق دسترسی همگان به بالاترین استانداردهای سلامت جسمی و روانی و احمد شهید، گزارشگر ویژه برای آزادی مذهب و عقیده، مورد حمایت واقع شده است. در همین رابطه نیز، چندی پیش، معاون بخش خاورمیانه و شمال آفریقای عفو بین‌الملل شرایط زندان رجایی شهر کرج را "یک الگوی رفتاری بی‌رحمانه و غیرانسانی" توصیف کرد. ماگدلنا مغربی افزود: "شرایط وحشتناک زندان رجایی شهر به یک الگوی رفتاری بی‌رحمانه و غیر انسانی اشاره دارد که مقامات ایران در برخورد با انسان‌های در بند دائما به کار می‌گیرند. براساس استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر، با همه زندانیان باید با کرامت و انسانیت رفتار شود. کسانی که نیازمند مراقبت‌های ویژه پزشکی هستند باید به بیمارستان‌های خارج از زندان منتقل شوند."

سوختگی شدید، مرگ زن کارگر کرد ۱۴ ساله را در پی داشت



یکی از چهار زن کارگر اهل مهاباد که چند روز پیش به سبب انفجار یک نیک به شدت مصدوم گردیده بودند، جان باخت. بر پایه‌ی گزارش رسیده به آژانس خبرسانی کردپا، یکشنبه دوازدهم شهریورماه ۱۳۹۶، "سوزان عمری" چهارده ساله، یکی از چهار زن کارگر کرد که به سبب انفجار یک نیک دچار سوختگی شدید شده بودند، به دلیل شدت جراحات پس از چند روز بستری بودن در بیمارستان جان باخت. به گفته یک منبع آگاه، سطح سوختگی سوزان عمری بیش از ۵۰ درجه بود و اقدام پزشکان جهت مداوی وی بی‌نتیجه ماند. پیشتر آژانس خبرسانی کردپا وضعیت جسمانی دو تن از این زنان کارگر را وخیم اعلام کرده بود. روز چهارشنبه هشتم شهریورماه، چهار زن کارگر کرد در کوره آجرپزی شهر وایقان از توابع شهرستان شبستر استان آذربایجان شرقی، در هنگام کار دچار حادثه و به سختی مجروح شده‌اند. هیت این چهار تن شهلا محمدزاده ۳۵ ساله، فاطمه ابراهیم‌زاده ۱۰ ساله، سوزان عمری ۱۴ ساله و سازگار عمری ۱۰ ساله اعلام گردیده است. این حادثه در اتاق استراحت آنان روی داده و در نتیجه این انفجار یک نیک گاز ۳۰ تا ۵۰ درصد دچار سوختگی شده‌اند.

اصلاح طلبی ایرانی و عشق یک طرفه



نادر اسماعیل نژاد

مساله مسبب آن شده است، که نه تنها نقد این گروه کاری بسیار دشواری باشد، بلکه اساسا شناختن آن‌ها به عنوان گروهی شناسنامه‌دار کار بسیار دشواری است، در عین حال آنچه در فصل انتخاباتی از دهان بعضی از چهره‌های شاخص آن‌ها زمزمه می‌شود، را می‌تواند به عنوان خواست و یا اهداف آن‌ها قلمداد نمود. خواست این گروه را در دو محور اساسی میتوان خلاصه کرد :

۱: تحقق بخشی از قانون اساسی جمهوری اسلامی که در عمل معوق شده است.

۲: بکارگیری نیروی بومی یا غیره فارس در ساختار حکومتی جمهوری اسلامی البته با ارجعیت بکارگیری این نیروها در مناطق خود دو خواست بالا را می‌توان به عنوان هدف اصلی پشت فعالیت‌های گروه موسوم به اصلاح طلبان کورد تلقی کرد، و این گروه در ۲۰ سال گذشته سعی نموده آراء کوردستان را با همین دو خواسته به صندوق اصلاح طلبان مرکز بریزد و اهمیت این آراء در سطحی بوده که اصلاح طلبان مرکز(فارس) منکر تاثیر آن بر رقابت‌های ریاست جمهوری در دوره یازدهم و دوازدهم نبوده و نیستند . نکته قابل اهمیت در اینجا بررسی مساله دستاورد حاصل از این ائتلاف غیره رسمی بین کوردها و اصلاح طلبان مرکز است، نمایان است، جدا از مساله میزان قدرت

در ساختار رژیم و حتی جدا از مساله ساختار قدرت در رژیم جمهوری اسلامی ، اصلاح طلبان گروهی هستند، که در ساختار جمهوری اسلامی وجود دارند و از قدرت نیز برخوردارند، اما این مساله هیچ وقت به فاکتوری برای حمایت از خواست اصلاح طلبان کورد تبدیل نشده است. آن‌ها حتی در سطح رسانه و در دیپلماسی عمومی از خواست اصلاح طلبان کورد حمایت نکرده و چه بسا در شرایط حساس خود آن‌ها خواست این گروه را به منزله رفتاری "تجزیه طلبانه" تلقی نموده‌اند، برای نمونه بارها در یک سال گذشته در روزنامه شرق که در عمل ارگان رسمی اصلاح طلبان است مقالات در ضدیت با آموزش زبان مادری چاپ شده است. عدم حمایت اصلاح طلب‌های مرکز از خواست اصلاح طلبان کورد در حالی است، که بر اساس اعلام کابینه دوم دولت حسن روحانی مشخص شده است، که این فرد و البته جریان‌هایی که او آن را نمایندگی می‌کند، آماده است، در برابر مخالفین خود کوتاه آمده و امتیازات بسیار بزرگی به جریان اصولگرا واگذار کند. به تعبیری اصلاح طلبان روحانی را به قدرت رساندند، اما اصولگرایان به وزارت رسیدند. عدم حمایت مرکز نشیان از گروهی که رای حاشیه را برای آن‌ها جمع می‌کند، کلیت موضوع نیست، بلکه همزمان با این عدم حمایت

بی‌شائبه اصلاح طلبان کورد از دوستان مرکز نشین‌شان در سطحی است، که باید آن را در چارچوب "عشق یک طرفه" تفسیر و تحلیل کرد، در تمام دوره ۲۰ ساله اعلام وجود جریان اصلاح طلبان کوردها چه آن دوره که خود را در قالب و ساختار جریان اصلاح طلبی گنجانده بودند و از اسم خاصی برای خود استفاده نمی‌کردند و چه بعد از ۱۳۸۴ که اصطلاح "اصلاح طلبان کورد" را برای خود انتخاب کردند، از لحاظ فکری، رفتاری و حتی تعیین هدف در بی دوستان مرکز نشین خود دوان بودند و هستند، اما هیچگاه گامی عملی برای تحقق خواست آن‌ها از طرف دوستانشان برداشته نشده است، و هر دوره انتخاباتی تنها مجموعه‌ای "وعده" می‌گیرند و تا دوره بعد و فصل انتخابات بعدی حتی بحث از این وعده‌ها نیز ممنوع می‌شود. مساله عشق یک طرفه اصلاح طلبان کورد در پس این تئوری رو به جامعه کوردستان تحلیل می‌شود، که اصولگرایان برای جامعه کوردستان جریانی به مراتب خطرناک‌تر و تنش آفرین‌تر از اصلاح طلبان هستند، در یک کلام گروه اصلاح طلبان کورد رو به جامعه کوردستان شکست سیاسی و عشق یک طرفه خود به اصلاح طلبان مرکز را، بر اساس ایجاد ترس و وحشت از اصولگرایان توجیه و تثبیت کرده‌اند. خارج از موضوع میزان اختلاف سیاسی و مساله وجود و عدم وجود دیدگاه مختلف در بین جناح‌های درون رژیمی در جمهوری

اسلامی، قبلا نیز به تفسیر به آن اشاره کرده‌ام، که آنچه بر سیاست رژیم جمهوری اسلامی در کوردستان تاثیر گذار است را می‌توان در سه محور دسته‌بندی کرد:

۱. جمهوری اسلامی، موضوع کوردستان را در سطح خاورمیانه به عنوان یک مساله امنیتی کلان خود در منطقه تلقی می‌کند، پس هر نوع فراز و فرودی در بخش‌های دیگر کوردستان بر رفتار جمهوری اسلامی در کوردستان تاثیرگذار است.

۲. میزان قدرت و حضور مبارزات کوردستان ایران در جامعه کوردستان ۳: موجود بحران آب در مرکز ایران و مساله وجود آب در کوردستان ایران و امکان انتقال این آب به مناطق مرکزی ایران در این بین اصلاح طلبان کورد با نادیده گرفتن جوهر واقعی عوامل تاثیرگذار بر رفتار جمهوری اسلامی در کوردستان، مساله ماجراجویی هسته‌ای جمهوری اسلامی و رفتارهای غیره نرمال محمود احمدی نژاد در سطح بین‌الملل و همچنین موضوع تقلب در نتایج انتخابات سال ۱۳۸۸ و رفتارهای رژیم با معترضین به این انتخابات را ملاک کرده‌اند، برای اینکه به جامعه کوردستان بقبولانند، که صرفا وجود عشق یک طرفه به اصلاح طلبان می‌تواند وضعیت موجود را حفظ کند و این وضعیت به وضعیت بدتر تبدیل نشود. در این بین آنچه تلاش می‌شود، کاملا در ذهن افکار عمومی مردم کوردستان پاک شود ، مساله دستاورد و نتایج ملموس از اعتماد چند باره جامعه کوردستان به اصلاح طلبان اعم

از کورد و مرکز نشین است. واقعیت سیاسی در ساختار رژیم جمهوری اسلامی این است که حتی گفتمان فعال کردن بندهای معوق قانون اساسی جمهوری اسلامی که در عمل به گفتمان اصلاح طلبان کورد تبدیل شده است، با شکست روبرو شده و اگر مستولین رژیم، اصلاح طلبان کورد را در فصل‌های انتخاباتی تحمل می‌کنند، به دو دلیل این است: یک: این گروه را برای جمع‌آوری رای مردم کوردستان می‌خواهند و هیچ جریان دیگری در مرکز، قدرت رای جمع‌کنی در کوردستان را ندارد. دو: اصلاح طلبان کورد در فقری سیاسی بسر می‌برند و هرگز آماده نیستند، خارج از گفتمان اصلاح طلبی مرکز خود دست به گفتمان سازی بزنند و همین مساله آن‌ها را برای نهادهای امنیتی قابل تحمل کرده است. اما از لحاظ پایگاه اجتماعی این گروه در کوردستان باید گفت چون این جمع اساس دیپلماسی عمومی خود را بر اساس ایجاد وحشت از اصولگرایان بنیاد نهاده بودند، و چون در کابینه جدید روحانی پیشینه این کابینه را اصولگرایان به دست گرفته است، پس کابینه جدید برای اصلاح طلبان به معنای خط بطلانی بر دیپلماسی عمومی اصلاح طلبان کورد است. البته چون اصلاح طلبان کورد تنها در سطح دیپلماسی عمومی آتهم در فصل انتخاباتی بدان‌ها اجازه عرض اندام داده می‌شود، پس باید اظهار کرد کابینه دوم روحانی خطی پایان پدیده اصلاح طلبی در کوردستان است.

از آغاز جریان موسوم به اصلاح طلبی در رژیم جمهوری اسلامی ۲۰ سال می‌گذرد، هرچند در تاریخ یک ملت ۲۰ سال صبحی بیش نیست، اما ۲۰ سال تلاش برای اصلاح ساختاری که جریان اصلاح خواه، بخش اصلی آن تشکیل داده بود ، مدت زمان طولانی است. جدا از اینکه اصلاح طلبی در ساختار رژیم جمهوری اسلامی چه فراز و فرودی را تجربه کرده است و سقف و کف خواسته‌های این جریان چه تغییراتی را در ۲۰ سال گذشته به خود دیده است، نگاه این مقاله به مساله، خواست و فراز و فرودهای پدیده اصلاح طلبی در کوردستان یا همان اصلاح طلبان کورد است. در مقدمه باید گفت اصلاح طلبان کورد، نه خود را در قالب یک حزب تعریف می‌کنند، و نه حتی خواست‌های آن‌ها سقف و کف مشخصی دارد، همین

توتالیتریسیم و جامعه



اما امروزه -از قرون هجده و نوزده به این سو- یعنی بعد از استقرار نظام دولت-ملت و ظهور حکومت‌های مدرن، قدرت‌ها دیگر سطحی و دارای خواست‌های معمول نبودند بلکه مجهز به سیستمی فکری ویژه‌ای شدند و بر ساختار کلی جامعه و نیز فکر و ذهن تک به تک افراد تاثیر گذار حاکم گردیدند. نتیجتا ایدئولوژی مخصوص به خود را مد نظر قرار می‌دادند و با تبلیغات گسترده‌ای چارچوب مذکور عمل کرده و استراتژی و تاکتیک خود را نیز بر اساس مبنای

فکری و ایدئولوژی مختص به خود دسته‌بندی می‌کردند. در این حالت راهکار و خطمشی ویژه‌ای را نیز برای جامعه مشخص کرده و نه تنها بر ظاهر و جریان عادی و زندگی روزانه جامعه تاثیرگذار بودند بلکه احساس و ذهن انسان‌ها را نیز تحت هژمونی اندیشه مطبوع خود قرار می‌دادند و بر اساس اصول فکری و فلسفی حکومت مشخص شده ظاهر و باطن جامعه را آنگونه که می‌خواستند شکل می‌دادند. در نتیجه آرام آرام حکومت‌های ایدئولوگ گونه‌ای از دیکتاتوری تندرو

روآیین - بهکان

مونتسکیو می‌گوید: دیکتاتور کسی‌ست که برای چیدن یک سیب درخت را از ریشه می‌کند. بی‌شک تا جهان بوده و هست قدرت و اداره حکومت و دست به دست شدن آن نیز بوده و خواهد بود. اما آنچه جای تحلیل و تأمل دارد ماهیت حکومت و چگونگی مدیریت و استفاده از قدرت موجود است. در گذشته حکومت‌ها بیشتر تاثیر سطحی بر جامعه و انسانیت داشتند،

سخن بی‌ارزش رایج بوده که: انقلاب فرزندان خود را می‌بلعد، چرا که بزرگترین مشکل و دغدغه‌ی دیکتاتورهای تاز به قدرت رسیده از بین بردن آنانی‌ست که در سیدن به قدرت او نقش داشته‌اند و به جای آنان از افراد ناآگاه و مستبد و جاه‌طلب در مناسبات حکومتی خود بهره می‌برد. - در قاموس دیکتاتوری، رهبر تنها کسی‌ست که دچار اشتباه نمی‌شود و در عوض تنها اوست که اشتباهات و انحرافات را اصلاح می‌کند. رهبر قهرمان و کاریزماست و بالاتر از قوانین کشور و در واقع مرجع قوانین می‌باشد. همه مشکلات، فسادها، گرفتاری‌ها و هزاران درد بی‌درمان دیگر از زیردستان و کاسه لبس‌های رهبر سرچشمه می‌گیرد و در عوض تمام پیروزی‌ها و موفقیت‌ها حاصل اندیشه رهبر است و به همین خاطر رهبر به اسطوره‌ای بدل می‌شود و به قول "اینیا تسوسیلونی" در کتاب مکتب دیکتاتورها می‌گوید که: رهبر به افسانه فرد خودبزرگ بین بدل می‌شود. در جایی نقش سایه خدا بر زمین را بر عهده دارد و در جای دیگر به نماینده خداوند و مجری فرامین او بدل می‌شود.

ادامه در صفحه ۵

کودکی و زندگی منحرف خود هستند. از تصویر و مراسمات گوناگون گرفته تا پیکر و برجسته کردن شعار و سخنان بی‌اساس و بی‌معنای بزرگان و رهبران و ایدئولوژی‌شان. اکثر دیکتاتورها و توتالیتریسیم‌ها دارای چنین ویژگی‌هایی هستند: - تک رهبر یا تک حزب تلاش برای صدور و جهانی کردن فکر و اندیشه تک بعدی و تدروی‌شان. استالین کمونتری را تاسیس کرد، سعی بر آن داشت تمام جهان را تحت سلطه سوسیالیسم قرار دهد. هیتلر به این بهانه که نژاد ژرمن، نژاد برتر جهان است در پی کسب حاکمیت این نژاد بر جهان بود تا باقی ملت‌ها و نژادها خدمتگزار این نژاد برتر باشند. اسلام رادیکال بر این باور است: مرزی برای حکومت اسلام نیست یعنی از هرگونه حيله و فریبی و وسیله‌ای برا صدور اسلام به چهار گوشه جهان بهره می‌برد. گاه با ترور و ایجاد وحشت و گاه با ایجاد آشوب و تفرقه و به جان هم انداختن ملت‌ها، چه در داخل کشور و چه خارج از آن. - با دیدی متهم و گناه‌کار به تمام جامعه نگرستن و حتا با دیدی سوءظن و شک به مجریان و اطرافیان خود نگاه کردن و در کل به کسی اطمینان نداشتن. از قدیم این

و توتالیتریسیم بنیادگرای خشک و متعجب را شکل دادند. به نقل از خودشان از خداوند دستور می‌گیرند حکومت‌های دیکتاتور و تک بعدی امروزه، آنقدر که برای تاثیرگذاری بر جسم اعضای جامعه تلاش می‌کنند صدربرابر آن در تلاش‌اند که ذهن این افراد را تحت سیطره خود قرار دهند، برآند که بر ذهن و احساس جامعه مسلط شده و بتوانند سایکولوژی و ذهن انسان‌ها را خود شکل دهند تا در راستای منافع قدرت قرار گیرد و هژمونی سیاست خود را به گفتمان حاکم بر جامعه بدل کنند و بجز منافع خود مانع از شکوفایی هرگونه فکر و اندیشه‌ای متفاوت شوند. از خود رهبر تا پائین‌ترین سطح چنین رژیمی، تنها شاهد یک چیز هستیم. یک اندیشه، ، یک نژاد، یک آئین، یک اندیشه، یک زبان و هیتلر و هم‌لر، همراه و همفکرش، عاشق رنگ سیاه و محزون بودند. رنگ قرمز رنگ مورد پسند استالین بود و به همین خاطر جامعه را نیز به این سو سوق می‌دادند. تمام حکومت‌های تک بعدی و دیکتاتورها، نشانگان ویژه و هویت عربان و برجسته دارند. چرا که از لحاظ روانی دچار حقارت و آسیب روانی و انواع عقده‌های دوران



موسسینی فعالیت می‌داشتند. در شوروی می‌بایست درک. گ. ب. یا ارتش سرخ کارگری عضو می‌بودی. همچنین در عصر حاضر در سیستم عراق پیشین و سوریه امروزی می‌بایست و باید عضو حزب بعث صدام و حزب بعث خانواده اسد باشد. - گسترش دادن اپیدمی فساد. نمی‌توان حکومتی دیکتاتوری یافت که فساد جای جای آن را به مانند سرطان فرا نگرفته باشد. این فساد نیز محدود نمی‌باشد بلکه در تمام ادارات و سازمان‌ها حکومتی و غیر حکومتی آن یافت می‌شود و وجود آن‌ها را در بر گرفته است. این هم در راستای ایجاد تفرقه و نفرت می‌باشد تا همزیستی و همبستگی مردم را از بین ببرد. - اداره و ارگان‌های حکومتی: بنابر اتوریته چنین حکومت‌هایی پروسه‌ی تلاش و اهتمام ورزیدن اما به سرانجام یا فرجامی نرسیدن مفهوم و جریان‌ی اساسی‌ست و یکی از بنیادهای فلسفه وجودی چنین حکومت‌هایی می‌باشد.

خواست کارتر و غرب دست به چنین اقدامی زد و آنچه شد که در تاریخ آمده است. به همین خاطر با ایجاد تفرقه و ایجاد انشقاق و دشمنی مابین اقشار و طبقات متفاوت جامعه به ویژه طبقه متوسط روشنفکر و تاثیرگذار، هم بر عمر حکومت‌اش می‌افزاید و هم بر اطمینان دیکتاتور در برابر سکون و قیام نکردن جامعه. به عنوان نمونه: طی استخدام‌ها به گونه‌ای رفتار می‌شود که این امر را تلقین کنند که آنان وابسته به سیستم حاکم‌اند و به طریقی در تلاش برای خدمت به اهداف حکومت هستند. در واقع باید خود را به گونه‌ای نشان دهند که وابسته به سازمانی امنیتی رژیم‌اند یا یکی از اقوام‌اش به صورت داوطلبانه در خدمت این حکومت کار می‌کند. در حکومت نازیسم می‌بایست به گونه‌ای در خدمت ارتش "اس" یا سایر نهادهای امنیتی می‌بودند. یا در دوران فاشیسم در خدمت گروه‌های وابسته به

زیستن، سرکوب و خفقان و وجود دسته و گروه‌های خودپسند و منفعت‌طلب، جامعه را به موجودی ناتوان و ناامید و شکست خورده بدل می‌کنند. انسان‌ها به ربات‌های گوش به فرمان تبدیل می‌شوند، بدون آنکه به آینده خود و جامعه‌شان بیاندیشند و تمام دستورات ریز و درشت را انجام داده و حتا برای اجرای آن‌ها شتاب دارند. در چنین شرایط سهمگینی ایجاد تفرقه بسیار زود روی می‌دهد و به سهولت مابین اقشار و طبقات انشقاق ایجاد می‌شود. اما چرا دیکتاتور چنین انشقاق و تفرقه‌ای را ایجاد می‌کند؟ چرا که مابین دولت-ملت فاصله‌ی عمیقی ایجاد شده است و دیکتاتور تکنوکرات نیز نه می‌خواهد و نه می‌تواند آن فاصله را پر کند و اطمینان و صلح را در جامعه برقرار سازد. اگر روزنه‌ای رو به دنیای آزاد ایجاد کند هرآنچه را که بدست آورده را از دست می‌دهد و رو به نابودی گام برمی‌دارد، ده ۵۰ شمسی شاه ایران بنا بر

به انحراف کشیده شده‌اند چراکه سال‌های مدیدی‌ست که اندیشه و ذهن انسانهای این جوامع تحت سیطره دروغ و عدم اعتماد به خود و گمان به هم در هم ریخته است. سال‌های مدیدی مردمان چنین کشورهایی مشغول فریبکاری و نیرنگ و حقه بازی بوده‌اند، چنین جامعه‌ای که اعضای آن نسبت به هم رحم و شفقت ندارند و هیچ احساسی نسبت به هم نداشته آیا در مدت کوتاهی به حامی و پشتیبان هم بدل خواهند شد به قول قدیمی‌ها: آدم ندید بدید صاحب خانه می‌شود اما مردانگی نه. - در امتداد طبقه بندی ویژگی‌های و خصوصیات دیکتاتور و توتالیتر، خصوصیت قابل ذکر و قابل تامل دیگری هست که باید به آن پرداخت. همانگونه که بیشتر اشاره شد اینگونه رژیم‌ها به علت استبداد و توحش‌شان تخم ترس و هراس را می‌افشاندند چرا که خود آن‌ها همیشه با ترس و اضطراب زندگی می‌کنند و این ویژگی لایق‌توقع چنین ساختارهای شومی‌ست به همین خاطر ساختار و تمام بنیاد حکومت خود را بر بنیادی درهم برهم بنا نهاده‌اند. دیکتاتوری نوعی از حکومت است که یک در ورودی دارد اما مملو از راهروها و اطاق‌های تنگ و تاریک بی‌شماری‌ست. در واقع رمز ماندگاری چنین سیستم‌هایی وجود چنین قلعه‌های بلورین است. تا هنگامی که جامعه از رمز و راز چنین قلعه سر به مهری ناآگاه است دیکتاتور می‌تواند خود را نجات داده و به حکومت استبدادی خود ادامه دهد، یعنی بی‌خبری و در عالم هیروت

پوبولیستی در آن‌ها هستیم. قوانین دروغین، رای‌های نمایشی، منتخب دروغگو، شعارهای رویایی و دروغین! به قول گارسیا مارکز: رای دادن به دروغ‌های سیاستمداران بی‌شک جامعه‌ای دروغگو به بار خواهد آورد. هنگامی که جامعه به دروغ‌های دیکتاتور ایمان آورد و سیاست‌های نانوخته او را مدنظر قرار داد دیگر اخلاق انسانی معنایی نخواهد داشت و بنیاد روابط اجتماعی را در هم می‌شکند و مرز میان حقیقت و دروغ از میان خواهد رفت. برآتم تا تامل بیشتری بر سیاست نانوخته داشته باشم چرا که در واقع نیاز به تحلیل و تفسیر بیشتری است. در شهرها، فرهنگ و دیالکتیک و رفتار معمول روزانه یکدیگر را به سخره می‌گیرند یا اینگونه القا می‌کنند که همه کارمندان و آثانی که در ادارات مشغول به کار معمولی و روزانه خود هستند، به گونه‌ای وابسته به رژیم و از عوامل آن محسوب می‌شوند و بهتر است که مردم به آن‌ها اعتماد نکنند و از آن‌ها دوری کنند. به همان شیوه ایجاد تفرقه و آشوب در میان طبقات متفاوت جامعه منجر به انشقاق در جامعه و ایجاد فضای بی‌اعتمادی و اشاعه جو سوءظن و بدگمانی و کینه می‌شود و در چنین جوامع بیماری احتمال قیام بسیار کم است و اگر هم روی دهد دچار عیب و نقص خواهد شد و به سرانجام مثبتی منتهی نخواهد شد. به مانند قیام‌های "بهار عربی" سال‌های اخیر. همه می‌دانیم که هیچکدام از این قیام‌ها درخواست‌های مثبت و دمکراتیکی را موجب نشده است و تمام آن‌ها به گونه‌ای

- دروغ. بله دروغ، می‌توانیم مدعی شویم که دروغ بنیاد اساسی تمام افکار و کردار و تئوری و تم و پراکتیک تاکتیک‌های طراحی شده این موع نظام‌ها است. هیتلر می‌گوید: حتا اگر دشمن هم ندارید اینگونه نشان دهید که کشور در خطر است، چرا که هر چه بیشتر جامعه در ترس و هراس باشد آمادگی بیشتری برای بردگی و پیروی کردن از سیاست‌ها و منافع حکومت دارد. هیچ دیکتاتوری را نمی‌توان یافت که دروغ‌های مختص خود را نداشته باشد و در این میان مخوف‌ترین دروغ‌ها دروغ آئینی است چرا که به سهولت در ذهن و روانی آدمی جای می‌گیرد. یکی از پست‌ترین نوع دروغ‌های آئینی نیز "تقیه" می‌باشد. نوعی دروغ که از همان اوان کودکی آثرا یاد می‌گیریم و بر اساس آن عمل می‌کنیم. در این دوران مدرن به دروغ و با تحریف، از ساختار دمکراسی نیز به نفع خود بهره می‌برند، یعنی دروغ‌های دیکتاتورها نیز به روز شده است. یکی از فاکتورهای اساسی دمکراسی انتخابات و امکان رای دادن آزاد است و در این عصر تمام دیکتاتورها به گونه‌ای دمکرات بودن خود را نشان می‌دهند. صدام حسین تنها چند ماه پیش از فروپاشی حکومت‌اش توانسته بود نود و پنج درصد رای مردم را به خود اختصاص دهد. هم اکنون در کشورهای دیکتاتورزده خاورمیانه هر ساله شاهد برگزاری انواع انتخابات

ترامپ و ملک سلمان درباره تهدیدات ایران در خاورمیانه گفتگو کردند



است و جوانان بسیاری را که در جریان انقلاب سبز (جنبش سبز) در چند سال پیش علیه آن‌ها دست به تظاهرات زدند، زندانی کرد. او همچنین گفته بود: در خاورمیانه از قاهره تا تل آویو تا ریاض از عرب گرفته تا یهودی همه ایران را بزرگترین عامل بی‌ثباتی منطقه می‌دانند. خطاب قرار دادن رژیم اسلامی ایران به عنوان عامل بی‌ثباتی منطقه تنها به گفتگوها مقامات سیاسی یا اظهارات فرماندهان نظامی محدود نشده است بلکه پای این قضیه به سازمان ملل نیز کشیده شده است. در اردیبهشت سال جاری نماینده عربستان

عامل اصلی در عدم ثبات و امنیت خاورمیانه شناخته شده است. در همین رابطه ژنرال جوزف ووتل، فرمانده ستاد مرکزی ارتش آمریکا، گفته است که حکومت ایران و اقدامات آن به ویژه فعالیت‌های نیروی قدس سپاه، مهم‌ترین عامل بی‌ثباتی در منطقه در دراز مدت است. او همچنین افزود: همانطور که بیشتر من و دیگران گفته‌ایم، ایران بی‌ثبات کننده‌ترین (نیرو) در منطقه است. در همین راستا، جیمز متیس وزیر دفاع آمریکا نیز در خصوص ویژگی‌های حکومت ایران گفته بود: این یک رژیم قاتل است، شمار زیادی از ایرانی‌ها را کشته

دونالد ترامپ و ملک سلمان در باب وضعیت خاورمیانه و مقابله با سیاست‌های آشوبگرانه و تروریستی ایران در منطقه، به گفتگویی تلفنی پرداختند. بنا بر بیانی‌های که کاخ سفید در چهارشنبه، هشتم شهریور ۱۳۹۶، منتشر کرد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا با ملک سلمان پادشاه عربستان در خصوص "تهدید" ایران و همچنین اختلافات چهار کشور عربی با قطر تلفنی گفتگو کرده است. بنا بر گزارشات بین‌المللی، رژیم اسلامی ایران با حمایت گسترده از گروه‌های تروریستی به عنوان

مقرات احزاب روژهلات را مورد حمله قرار دهد. شایان ذکر است تاکنون چندین بار مقامات رژیم ایران برای پنهان داشتن ترس خود از راسان روژهلات تهدید به حمله به مقرات احزاب روژهلات کرده‌اند. در رابطه با این توطئه سپاه تروریستی پاسداران به بهانه انجام مانور نظامی، در چندین شهر کردستان مشغول سازماندهی نیروهای خود به سلاح‌های سنگین و نیمه سنگین می‌باشد. گزارشات ارسال حاکمی از آن است که سپاه تروریستی پاسداران قصد دارد که همزمان با افزایش ناآرامی‌های منطقه و اعزام نیروهای گروه تروریستی داعش و حشد الشعبی به مرزهای اقلیم کردستان، از مرزهای روژهلات به اقلیم کردستان حمله و از ترس و وحشت از راسان

سپاه تروریستی پاسداران خود را برای توطئه‌ای علیه ملت گرد آماده می‌کند

سپاه تروریستی پاسداران به بهانه انجام مانور نظامی، اقدام به اعزام گسترده نیرو و سلاح‌های سنگین و نیمه سنگین به شهرهای کردستان کرده و توطئه حمله اقلیم کردستان و احزاب روژهلات را در نظر دارد. طی چند روز اخیر، سپاه تروریستی پاسداران به بهانه انجام مانور نظامی در چندین شهر کردستان مشغول سازماندهی نیروهای خود به سلاح‌های سنگین و نیمه سنگین می‌باشد. گزارشات ارسال حاکمی از آن است که سپاه تروریستی پاسداران قصد دارد که همزمان با افزایش ناآرامی‌های منطقه و اعزام نیروهای گروه تروریستی داعش و حشد الشعبی به مرزهای اقلیم کردستان، از مرزهای روژهلات به اقلیم کردستان حمله و از ترس و وحشت از راسان

خروش انقلابی در بانه



سرآغاز رویدادهای اخیر بانه را باید در وجود ساختار دیکتاتوری و سیاست‌های ضدبشری حکومت فاشیستی ایران جست، نظامی که با اعمال انواع سرکوب‌ها و از بین بردن هرگونه امکانی برای تعالی و شکوفایی، چنان شرایطی را در کوردستان حاکم کرده است که تمام ابعاد زندگی انسان کورد را تحت تأثیر قرار داده و او را از حق مسلم انسانی‌اش محروم ساخته است. اما گر بخواهیم برای رویدادهای ۱۳ و ۱۴ شهریور ۱۳۹۶ نقطه آغازی قائل شویم باید به کشته شدن دو کولبر بدست نیروهای تروریستی ایران اسلامی اشاره کرد. در این گزارش نگاهی می‌اندازیم به گزارشات و اخبار و نیز واکنش جامعه سیاسی-اجتماعی کوردستان به این رویدادها.

دو کولبر کُرد با اصابت گلوله در بانه جان خود را از دست دادند
در ادامه شلیک مستقیم به کولبران در کوردستان، دو کولبر دیگر کُرد در بانه در پی شلیک مستقیم نظامیان حکومتی جان باختند. سحرگاه روز دوشنبه سیزدهم شهریورماه، دو کولبر کُرد در مرز بانه هدف تیراندازی نیروهای انتظامی حکومت ایران قرار گرفتند. بنابر گزارشات رسیده، هویت این دو کولبر کُرد "حیدر فرجی" ۲۱ ساله اهل روستای "ششه" و "مامه قادر بهرامی" ۴۵ ساله اهل روستای "وزمله" اعلام شده است. قادر بهرامی متاهل و دارای چهار فرزند می‌باشد. این دو کولبر کُرد در

حوالی روستای "هنگ ژال" در مرز بانه مورد اصابت گلوله نیروهای انتظامی قرار گرفته‌اند. یک منبع آگاه درباره این حادثه چنین اظهارنظر می‌کند: "خانواده‌های این دو کولبر جان‌باخته فرماندار بانه را مقصر روی دادن چنین حادثه‌ای می‌دانند و می‌گویند تیراندازی به کولبران به دستور او بوده است." این منبع افزود: "جان باختن این دو کولبر کُرد نارضایتی شدید شهروندان بانه‌ای در پی داشته و خانواده‌های این دو کولبر در مقابل فرمانداری تجمع کرده‌اند." خانواددهای این دو کولبر جان‌باخته خواستار مجازات عاملان این حادثه می‌باشند. کشتار گسترده کولبران در حالی است که پیشتر معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار کُردستان اعلام کرده بود: "به جرات خواهم گفت که از زمان روی کار آمدن دولت تدبیر و امید تاکنون حتی یک کولبر در مرزهای کُردستان کشته و یا زخمی نشده است." تاکنون هیچ شخصیت حقوقی و حقیقی در ارتباط با شلیک مستقیم به کولبران و کاسبکاران مرزی کُردستان مورد پیگرد قانونی قرار نگرفته و پرونده قضایی افرادی نیز که زخمی شده و یا جان خود را از دست می‌دهند به بهانه "حفظ و صیانت از مرزها" به نتیجه‌ی مشخصی نمی‌رسند. در پی انتشار خبر مذکور مردم مبارز بانه در همان روز طی حرکتی اعتراضی دست به اعتصابی عمومی زده و با بستن دوکان و بازار در کل

سطح شهر به تجمع در مقابل فرمانداری شهر پرداختند و هر لحظه بر تعداد معترضین افزوده می‌شد، به گونه‌ای که مردم از روستاها و شهرک‌های حومه‌ی بانه نیز به جمع معترضین پیوستند. شهر بانه روزهای دوشنبه و سه‌شنبه در خیزشی حق‌خواهانه قرار داشت و مردم با دست خالی در مقابل نیروهای درنده رژیم تروریستی جمهوری اسلامی ایران ایستادند:

مردم بانه علیه سیاست‌های ضدبشری رژیم اسلامی ایران خروشانند

بعد از کشته شدن دو کولبر اهل شهرستان بانه با شلیک مستقیم نیروهای مرزی این شهر، شهروندان بانه‌ای طی اقدامی اعتراضی دوکان و بازار را در سراسر شهر تعطیل کرده و به تجمع اعتراض‌آمیز در مقابل فرمانداری بانه دست زدند. تجمعات اعتراضی شهروندان بانه‌ای در اعتراض به کشته شدن دو کولبر با شلیک مستقیم نیروهای سرکوبگر رژیم، در مقابل فرمانداری این شهر تا تنظیم این خبر ادامه دارد. در پی اعمال ضدبشری رژیم و اعتراض گسترده مردم به این اعمال، نیروهای گارد ویژه و نیز نیروهای تروریستی سپاه اقدام به شلیک مستقیم به معترضین حاضر در تجمعات کرده که تاکنون ۱۰ زخمی را در پی داشته است. تجمع اعتراضی مذکور با دخالت خشونت‌آمیز گارد ویژه به درگیری انجامید و نیروهای گارد ویژه سعی کردند که با پرتاب گاز اشک‌آور جمعیت مذکور را متفرق کنند.

یک منبع آگاه در رابطه با این وقایع گفت: بعد از این رویدادها ماشین فرمانداری شهر بانه از سوی مردم معترض به آتش کشیده شده و معترضین توانسته‌اند به داخل فرمانداری وارد شوند و چندین نفر نیز از سوی مامورین و نیروهای گارد ویژه رژیم، بازداشت شده‌اند. به گزارش این منبع خبری ۱۰ نفر از شهروندان حاضر در این تجمع اعتراضی با شلیک مستقیم نیروهای گارد ویژه زخمی شده‌اند. همچنین آژانس خبرسانی کردپا در خبری اعلام کرده که نیروهای امنیتی شهر بانه چندین نفر از شهروندان حاضر در تجمعات اعتراضی در مقابل فرمانداری بانه را بازداشت کرده‌اند. تا کنون هویت سه نفر از بازداشت شدگان مشخص شده که عبارت است از: کوردو حسین‌پور، جلال ساوان و احمد شفیع.

گفته می‌شود نیروهای سپاه و نیروهای اطلاعاتی-امنیتی رژیم برای کنترل وضعیت در تمام نقاط شهر مستقر شده‌اند و هلیکوپترهای نظامی برای ایجاد فضای رعب و وحشت به صورت مستمر بر فراز شهر به پرواز در می‌آیند. لازم به ذکر است که بعد از نارضایتی‌های شهروندان شهر بانه در مقابل فرمانداری این شهر، نیروهای نظامی رژیم اسلامی ایران در کوردستان ایران به حالت آماده باش کامل درآمده‌اند. همزمان با خروش مردمی علیه سیاست‌های فاشیستی حکومت اسلامی ایران، دفتر سیاسی حزب دمکرات کوردستان ایران با انتشار بیانیه‌ای این اقدام دلیرانه مردم را ارج نهاد و از مردم سراسر کوردستان خواست تا از این حرکت انقلابی مردم بانه حمایت کنند. متن کامل این بیانیه:

بیانیه دفتر سیاسی حزب دمکرات کوردستان ایران در رابطه با رویدادهای اخیر شهر بانه
سرکوب و کشتار سیستماتیک و برنامه‌ریزی شده کاسبکاران شهر و روستاهای مرزی کوردستان بدست جمهوری اسلامی ایران طی چند دهه اخیر بخش لاینفکی از سیاست این رژیم بوده و هر روز بر وسعت آن افزوده می‌شود. سیاستی که جان مردم زحمت کش و کاسبکار را هدف قرار داده است. تنها کمتر از یک سال، ده‌ها کاسبکار قربانی سیاست‌های سرکوبگرانه و محروم نگه داشتن مردم کوردستان شده‌اند.

در امتداد جریان کشتار و هجوم به کاسبکاران مناطق مرزی کوردستان، مورخ ۱۳ شهریور ۱۳۹۶ شمسی، دو کاسبکار به نام "قادر بهرامی" ۴۵ ساله و اهل "وزمله" و "حیدر فرجی" ۲۱ ساله و اهل روستای "ششه" از توابع شهر بانه، جان خود را از دست دادند. در واکنش به این جنایت رژیم جمهوری اسلامی، مردم به سته آمده شهر بانه و توابع آن که پیشتر نیز در مقابل ظلم و ستم و سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم از خود ایستادگی و مقاومت نشان داده بودند، واکنش نشان داده و طی روزهای دوشنبه و سه‌شنبه ۱۳ و ۱۴ شهریور- دست به اعتراض جمعی زده و در تجمعی گسترده و طی موضعی دلیرانه راس قدرت رژیم را در شهر بانه مورد هجوم قرار داده و ساختمان فرمانداری شهر را هدف گرفتند. از سوی دیگر با تعطیلی سراسری دکان و بازار نیز، اعتراض خود را به این رویداد دلخراش نشان دادند. قابل ذکر است که درگیری مابین نیروهای سرکوبگر رژیم و مردم دلیر شهر بانه تا لحظه تنظیم این بیانیه ادامه دارد. بنابر اطلاعات رسیده، رژیم اقدام به اعزام نیروی کثیری از شهرهای اطراف به بانه کرده و حکومت نظامی به صورت کامل اعمال شده و تعدادی از معترضین نیز بازداشت شده‌اند. علاوه بر محکوم کردن اعمال ضد مردمی رژیم در کوردستان و اعمال دلیرانه امروز و دیروز مردم مبارز شهر بانه و توابع آنرا ارج می‌نهیم و خواهان آن هستیم که تمام اقشار و طبقات جامعه کوردستان متحد و یکدست از چنین حرکتی حمایت کرده و در یک سنگر و با اتحادی مضاعف علیه سیاست‌های و اعمال سرکوبگرانه رژیم بایستند. در پایان حمایت خود را از این کنش دلیرانه و انقلابی مردم شهر بانه و توابع آن اعلام می‌کنیم، حرکتی که به نماد گره زدن قیام "شاخ و شار" به حساب می‌آید.

حزب دمکرات کوردستان ایران دفتر سیاسی ۱۴ شهریور ۱۳۹۶
همچنین در اعتراض به سرکوب خشونت‌آمیز تجمعات مسالمت‌آمیز مردم کورد در بانه به وسیله نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامی ایران، سازمان دفاع از حقوق بشر کوردستان بیانیه‌ای منتشر و اعلام کرد که: **برخورد خشونت بار نیروی دولتی با شهروندان شهر بانه نقض حقوق**

بشر و رفتاری دور از مدنیت و هرگونه مسئولیت است.
در همین راستا سازمان دفاع از حقوق بشر کوردستان طی بیانیه‌ای سرکوب خشونت‌آمیز این حرکت مسالمت‌آمیز مردم به وسیله نیروهای سرکوبگر رژیم را محکوم و اعلام کرد: شورای مدیریت این سازمان برخورد خشونت شهر بانه را نقض حقوق بشر و رفتاری دور از مدنیت و هرگونه مسئولیت دولتی می‌داند و توقف فوری اینگونه رفتارها را خواستار است. در این بیانیه آمده است: در پی قتل دو جوان کولبر کُرد، شهروندان برخی شهرهای کُردستان «روژهلالت» از جمله مردم شهر بانه در صدد برآمدند تا در حرکتی مسالمت‌آمیز، نسبت به تداوم کشتار کولبرها بویژه دو قتل اخیر، اعتراض خود را بیان کنند. اما نیروهای امنیتی، انتظامی و نظامی دولتی با حمله به این حرکت مدنی و آرام مردم شهر بانه، تعداد بیش از ده نفر را مجروح و شماری را بازداشت کرده اند، اگرچه هنوز از تعداد دقیق مجروحین و بازداشت شدگان اطلاع دقیقی دریافت نشده است، اما خبرها از ادامه رفتار خشونت بار نیروهای دولتی و ادامه اعتراض مردم حکایت دارد. در ادامه این بیانیه به اعمال خشونت‌آمیز و ضدبشری نیروهای رژیم اشاره شده و با ابراز تأسف از اینگونه اعمال افزوده است که: شورای مدیریت سازمان دفاع از حقوق بشر کُردستان ضمن بیان تأسف و تأثر خود از ادامه ی کشتار رنجبران و قتل کولبرهای زحمتکش کُرد توسط نیروهای آتش به سرخورد دولتی، برخورد خشونت بار نیروهای امنیتی و انتظامی با مردم و شهروندان معترض بانه‌ای را برخورد خشونت‌آمیز با مدنیت و حقوق بشر می‌داند، و اینگونه برخوردها را به عنوان رفتاری دور از مدنیت و مسئولیت دولتی، غیرقابل پذیرش، مردود و محکوم و از نظر حقوق بشر غیر قابل توجیه قلمداد می‌کند. این سازمان به فوریت خواهان توقف برخورد خشونت بار با شهروندان شهر بانه و توقف ادامه کشتار کولبران می‌باشد و از دولت جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد حمله به مردم و معترضان کُرد را متوقف نموده و به نقض حقوق بشر و سلب آزادی مردم پایان دهد.



زن و رویاهایی که در دنیای مردسالارانه فنا می‌شوند



مریم رفایی

بلکه باعث شد بیشتر و بیشتر در زندگی و وضعیت زنان در کردستان و ایران کنجکاو شده و سعی کنم نه به دید یک نظاره گر بی تفاوت، بلکه با دید یک همجنس و یک همدرد به آنان نگاه کنم. گاهی می‌اندیشم که ما اینقدر بوالهوس و فتنه‌خیز

و فریبنده و مخرب برای جامعه‌ایم؟ یعنی جنس ما اینقدر مردان سرزمینمان را آزاده؟ که چاره ای جز بستن چشم ها ندارند! و هر روز خدا باید بنشینند و برایمان چاره ای بیابند که چگونه این جنس ناجور را هرچه بیشتر از سر راه

سالیان برایت می‌ماند... وقتی به دوستانم مراجعه می‌کنم و چهره‌های افسرده‌شان را می‌بینم که وا اسفا! ما چه کردیم! مگر درس نخواندیم! مگر زحمت بسیار نکشیدیم! چه شب‌ها که تا صبح بیدار نشستیم و... و چه محرومیت‌ها و رنج‌های بی‌پایه که برخود نخوردیم! دوستان من بخشی از جامعه زنان سرزمین من‌اند. همه آنان تحصیل کرده، همه زحمت کشیده و همه خون دل خورده‌اند... بی‌کاری یعنی خط بطلان بر همه القابی که زمانی از شنیدن نامشان قند در دلمان آب می‌شد و اینک موج نفرت در رگ‌هایمان... جامعه تب آلودی که آماس یک فاجعه عمیق است، ایرانی که هر روز بوی تعفن از کنارش برمی‌خزد و جگرش چنان می‌سوزد و روحت چنان در خود فرو می‌رود که زنان سرزمین من! نازنین‌هایم!! صدای من، ناله‌ای بیش نیست!! میدانم. میدانم. صدایم باشید... زبانم باشید... زنانگی‌مان را پس بگیریم. فریادش زنیم... من زنم! من زنده‌ام و زنده می‌مانم!!!

می‌اندازند و گاه چنان با خشونت پرتان می‌کنند درون ماشین‌های "ون" که گوسفند قربانی سال گذشته همسایه‌مان درون باغچه حیاط. انگار انسانی در این میان نیست. انگار روحی درون این جسم رنجور نخوابیده. انگار زن، هیچ کس نیست، هیچ کس... اینجا ایران است. سرزمین گرسنگان جنسی. روزگارش گاه ابری و غبار آلود و گاهی سیاهی مطلق. در مرز ۳۳ سالگیم پرسه می‌زنم. خروارها حسرت سالیان برشانه‌هایم سنگینی می‌کنند (رؤیاهای کودکی‌ام که بعدها به اهداف نوجوانی و جوانی‌ام مبدل شدند و هرگز دستام هم، لمس‌شان نکرد...) شده ام موجودی پوچ. موجودی با افکاری پوچ. نه شور جوانی در سر دارم و نه عشق ماندن در دل. مانده‌ام بین ماندن و رفتن. بین مردن و بیهوده زندگی کردن. وقتی هرچه رشته بودم پنبه می‌شود و هرآنچه بدان دل می‌بندم حبابی کوچک روی آب. هنگامی که بعد از سال‌ها زحمت و تلاش تنها خستگی

زیاده‌خواهی‌هایشان بردارند و فقط به یک وسیله ابزاری خود تبدیل‌مان کنند. به خودم خوب خوب نگریم. به زن اروپایی هم... چه تفاوتی بود؟ او نیز زن بود، درست مثل من. همه چیزش مثل من، اگر او موی بلند و فریبنده داشت که من نداشتم! اگر چشمان رنگی و زیبایش آنقدر در دل می‌نشست، که من آنرا نیز نداشتم. اگر او لباس سبک و راحتی بر تن داشت و نیمه عریان بود که من سر تا پا مزین شده بودم به لباس‌های تیره و بدرنگ و بدقواره!!! پس چرا من اینقدر جامعه را آلوده ساخته بودم که اینک بندگان خدا مجبور بودند افراد زیادی را به زحمت بیندازند تا ما زنان که چون ویروس در جامعه انتشار پیدا کرده بودیم را از توی خیابان‌ها جمع کنند و ما را به ناکجا آبادی که دیگر نفس آلوده‌ی‌مان هم در هوای این سرزمین بالا نیاید بفرستند! حالا بماند که برای فرونشاندن غیظشان، از هیچ فحش رکیک و ناسزایی فروگذار نمی‌کنند. گاهی تف به صورتان

کودکان، قربانیان اصلی رژیم فاشیستی ایران



مه‌زین رفایی

حقوق اجتماعی، رفاهی، فرهنگی و حتی جسمانی. در کشورهای پیشرفته کودکان از همان بدو تولد تحت حمایت دولت قرار می‌گیرند و دولت آن‌ها را تحت پوشش بیمه‌ای و حقوق ماهیانه قرار می‌دهد. اگر خانواده کودک از وضع اقتصادی خوبی برخوردار باشند حقوق ماهیانه کودک را برای آینده وی پس انداز می‌کنند و اگر کودک در خانواده‌ای به دنیا بیاید که از اقشار ضعیف جامعه باشند آن خانواده برای پرداخت

هزینه‌های فرزندشان دچار مشکل خواهند بود و کودک کمبودی نخواهد داشت. کودکان در کشورهای پیشرفته اگر در خانواده‌های طبقه پایین و قشر ضعیف جامعه به دنیا بیایند مجبور نخواهند شد برای تامین مخارج زندگی از سنین پایین شروع به کار کنند و یا مجبور به ترک تحصیل و سوق دادن به راه‌هایی شوند که آینده آن‌ها را دچار نابودی و تباهی می‌کند. کودکان سرمایه‌های خاموش هر جامعه و کشوری محسوب

قانونی کودکان و استفاده از کودکان در نظامی‌گری. کار کودکان پیامد‌های بسیار بدی در آینده برای این نوع کودکان خواهد داشت. این کودکان قشری آسیب‌پذیر در جامعه محسوب می‌شوند زیرا از هیچگونه حمایت و امنیتی برخوردار نیستند و اکثراً در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که والدین آن‌ها معتاد به مواد مخدر هستند و نیز بسیاری از این کودکان در حین کار مورد کودک آزاری و سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند و همین امر آن‌ها را به افرادی سرخورده و طرد شده از اجتماع بدل می‌کند و باعث ایجاد عقده‌هایی عمیق در وجود آن‌ها می‌شود. عقده‌هایی که باعث به وجود آمدن جرم و جنایت‌های هولناکی می‌شود و این کودکان ناخواسته پا به زندان می‌گذارند و آینده‌ای نامعلوم انتظار آن‌ها را می‌کشد. بی‌توجهی به این امر و مشکلات ناشی از وجود اینگونه کودکان آسیب دیده و نبود رسیدگی و اهمیت قائل نشدن برای اینگونه مسائل و مشکلات از سوی نظام و حاکمیت باعث شده است که روز به روز آمار جرم و جنایت به طور چشمگیری رشی تصاعدی داشته باشد. مشکلاتی

می‌شوند. دولت با برنامه‌ریزی و حمایت از آن‌ها، آینده مملکت و کشور را نیز تامین می‌کند. اما در کنار تمامی این امتیازات و حقوق و ارزشی که کودکان در جوامع پیشرفته از آن برخوردارند، در جوامع جهان سوم و در حال توسعه مانند ایران، افغانستان و بسیاری از جوامع دیگر کودکان از هیچگونه حقوق و حمایتی برخوردار نیستند و آمار وحشتناک و تکان دهنده‌ای از کودکان کار و خیابانی در سال‌های اخیر به دست آمده که نشان می‌دهد طبق آمار تخمینی سازمان جهانی کار در سال ۱۹۹۵ قریب به ۵ درصد کودکان بین سنین ۱۰ تا ۱۴ سال در ایران از لحاظ اقتصادی فعال هستند. بر این اساس در سرشماری که در سال ۱۳۷۵ انجام شد بیش از ۴ درصد جمعیت شاغل کشور را گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال تشکیل می‌دهد. این در حالی‌ست که ایران از سال ۱۳۷۳ به پیمان‌نامه حقوق کودک پیوسته است اما شواهد امر در بسیاری از مسائل با این پیمان‌نامه مغایرت فراوانی دارد. مانند کار کودکان، مجازات و اعدام کودکان (پایین بودن سن مسئولیت کیفری در قوانین ایران)، ازدواج

کودکان سرمایه‌های ما هستند و ستون‌هایی که آینده بر دوش آن‌ها استوار است. هرگاه این موجودات ظریف و شکننده آسیب ببینند آینده ملتی نابود می‌شود زیرا ساختار یک کشور بر اساس اینان برنامه‌ریزی می‌شود. امروزه در جوامع پیشرفته کودکان از اهمیت و امتیازات بی شماری برخوردارند همچون

دوچرخه‌سوار گیلانغربی با شعار "حمایت از طبیعت زاگروس"

به رکاب‌زنی در کشورهای اروپای مرکزی دست زد



عدم وجود یا کافی نبودن مراکز مهار آتش در نقاط آتش‌خیز جنگل‌های زاگروس و... بی‌توجهی حکومت و عدم اهمیت این مساله را در نزد حکومت نشان می‌دهد.

کردستان و زاگروس می‌باشد. از سوی دیگر، عدم تهیه و ارائه وسایل مورد نیاز برای کنترل و اطفاء حریق از سوی حکومت، نبود نیروهای کافی و متخصص در اطفاء حریق،

آنچه که طی سال‌های اخیر به روشنی مشخص شده است عدم پیگیری و توجه مسئولان حکومتی در ایجاد شرایطی در راستای پیگیری از تکرار آتش‌سوزی‌ها در جنگل‌های

رکاب‌زنی مابین کشورهای اروپای مرکزی زده است. "کامو کلهر" دوچرخه‌سوار کرد که در سال گذشته در همین ایام و بعد از آتش‌سوزی‌های متعدد در آن سال به عنوان اعتراض به عدم توجه مسئولین حکومتی در کنترل آتش‌سوزی‌های جنگل‌های زاگروس مسافت ۷۰۰ کیلومتری مابین بندر ترکمن و بندر آستارا را رکاب زده بود امسال نیز در اقدامی مبنی بر حمایت از طبیعت زاگروس به رکاب‌زنی مسافت مابین کشورهای

آتش‌سوزی‌های متعدد و سلسله‌وار جنگل‌های زاگروس، واکنش فعالین محیط زیست و نیز مردم کورد را در پی داشته و در این راستا انجمن‌های محیط‌زیستی و فعالین مدنی در نقاط مختلف کردستان دست به اقدامات متفاوتی زده‌اند. بنابر گزارش رسیده به آژانس خبرسانی کردپا، دوچرخه‌سوار گیلانغربی برای جلب توجه افکار عمومی که به فجایع زیست‌محیطی که دامن طبیعت زاگروس را گرفته طی اقدامی دست به

چهار تن از مدیران کانال‌های تلگرامی در بانه بازداشت شدند

نیروهای اطلاعاتی در بانه چهار تن از مدیران کانال‌های تلگرامی را بازداشت و به مکان نامعلومی انتقال داده‌اند. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی کردپا، امروز چهارشنبه پانزدهم شهریورماه، چهار تن از مدیران کانال‌های تلگرامی در بانه از سوی نیروهای اطلاعاتی بازداشت گردیدند. خبرنگار کردپا در بانه هویت سه شهروند بازداشت شده را آرمان فرج‌پور، مدیر کانال خبری "بانه رووداو"، شجاع حسین‌زاده، مدیر کانال خبری "بانه نیوز"، آرام خاکی، مدیر کانال خبری "بانه هه‌وال" اعلام کرد. هویت یک تن از بازداشت‌شدگان که مدیر کانال "تسلیم" بانه می‌باشد، تاکنون برای آژانس کردپا مشخص نگردیده است. نیروهای اطلاعاتی این چهار تن را به اتهام "تحریک شهروندان بانه‌ای برای شرکت در تجمع اعتراضی در مقابل فرمانداری" بازداشت کرده‌اند. تا لحظه انتشار این خبر از سرنوشت این چهار شهروند بانه‌ای اطلاعی در دسترس نمی‌باشد. روز سه‌شنبه چهاردهم شهریورماه، شهروندان بانه‌ای در

RMMK:

دولت ایران خواست انسانی زندانیان اعتصابی را تامین نماید



شورای مدیریت سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان در بیانیه‌ای با اشاره به وضعیت نگران‌کننده زندانیان اعتصابی در زندان رجایی شهر کرج، مسئولان دستگاه قضایی و سازمان زندان‌های جمهوری اسلامی ایران را مسئول حفظ جان و وضعیت سلامتی زندانیان بویژه زندانیان سیاسی می‌داند. این سازمان از مقامات و مسئولان ذیربط می‌خواهد در کنار تامین فوریت‌های درمانی و پزشکی برای زندانیان اعتصابی، جهت توقف اعتصاب‌ها خواست‌های انسانی اعتصاب‌کنندگان را در اسرع وقت مورد توجه جدی و رسیدگی مقتضی قرار دهند. سازمان حقوق بشر کردستان ضمن درخواست از زندانیان برای پایان دادن به اعتصاب غذای خود، تامین حقوق واضح و قانونی اعتصاب‌کنندگان را وفق اصول و موازین حقوق بشر، از دولت جمهوری اسلامی ایران خواستار است.

شنبه ۱۱ شهریور ماه ۱۳۹۶
/ دوم سپتامبر ۲۰۱۷

شورای مدیریت سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان

موجوده آقابان محمد نظری، لقمان مرادی، زانیار مرادی، هوشنگ رضایی، رضا شهابی، مجید اسدی، جعفر اقدامی، سعید شیرزاد، ابراهیم فیروزی، ابوالقاسم فولادوند، رضا اکبری منفرد، امیر خیزی، محمد بنزاده، سعید ماسوری، پیام شکیبیا، حسن صادقی، حمید بابایی، خالد حردانی، محمدعلی منصور، امیر قاضیانی، و شاهین ذوقی تبار از جمله اعتصاب‌کنندگانی هستند که بیش از یک ماه است دست به اعتصاب غذا زده‌اند. این در حالی است که دلیل عدم رسیدگی‌های قانونی و قضایی و بی‌توجهی مسئولان، و نیز در اثر ادامه اعتصاب‌ها، وضعیت جسمی و سلامتی تعدادی از زندانیان رو به وخامت گذاشته و زندگی آنها با تهدید جدی مواجه شده است. در همان حال گزارش‌هایی از اعتصاب غذای برخی دیگر از زندانیان سیاسی در دیگر زندان‌ها منتشر گردیده است. در همین ارتباط در اثر ادامه اعتصاب غذای مهدی خزعلی در زندان اوین، وضعیت وی بسیار نگران‌کننده توصیف شده است. شورای مدیریت سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان، با اعلام نگرانی شدید خود

یک فعال فرهنگی کرد در خراسان به دو سال حبس محکوم شد



دستگاه قضایی حکومت ایران حکم دو سال زندان را برای یک فعال فرهنگی کرد در خراسان صادر کرد. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی کردپا، طی مدت اخیر، چندین فعال فرهنگی با فشار و تهدید نهادهای امنیتی و قضایی در خراسان روبرو شده‌اند. یک منبع آگاه در این رابطه به خبرنگار کردپا اعلام نمود: دستگاه قضایی حکومت ایران در خراسان یک محقق و پژوهشگر کرد به نام "ناصر رشیدی" را به دو سال زندان محکوم کرده است. این منبع آگاه عنوان کرد: این محقق و پژوهشگر کرد به اتهام انتشار مطلبی با عنوان "کردها در خراسان از مهاجرت تا امروز" به دو سال زندان محکوم شده است. این فعال فرهنگی کرد جهت سبوری نمودن دوران محکومیت هم‌اکنون در زندان بسر می‌برد. چندی پیش نیز، کتابچه آموزش زبان کردی با

سه جوان کرد پس از بازداشت به مکان نامعلومی انتقال یافتند



سه جوان کرد در شهرستان تکاب از توابع استان آذربایجان غربی توسط نیروهای اطلاعاتی بازداشت گردیدند. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی کردپا، نیروهای اطلاعاتی وابسته به اداره اطلاعات تکاب سه جوان کرد را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کرده‌اند. خبرنگار کردپا در تکاب هویت این سه جوان بازداشت شده را "بهزاد برادران، حامد سبزی و سامان سبزی" اهل روستای "احمد آباد" اعلام نمود. این سه جوان بیست و چهار مردادماه بازداشت و خانواده آنان از محل نگهداری و اتهامات وارده به فرزندان‌شان اطلاعی ندارند. در همین رابطه نیز، روز یکشنبه بیست و نهم مردادماه، پنج شهروند کرد توسط نیروهای لباس شخصی وابسته به اداره اطلاعات سنندج بازداشت شدند. این شهروندان کرد به اتهام "همکاری با یکی از احزاب کرد اپوزیسیون حکومت اسلامی ایران" از سوی نیروهای اطلاعاتی بازداشت گردیدند.